



امام صادق علیه السلام از نظر اهل سنت

سید مرتضی حسینی شاه ترابی

مقدمه

همه مسلمانان (شیعه و سنی) برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام احترام و جایگاه خاصی قائل اند که نظیر آن را برای دیگران قائل نیستند. این علاقه و دلبستگی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نقطه اشتراک تمامی مسلمانان است و می تواند عاملی برای پیوند و نزدیکی آحاد جامعه اسلامی به یکدیگر باشد. امام صادق علیه السلام به عنوان یکی از مصادیق و افراد این خاندان، علاوه بر جایگاه مذهبی ویژه اش در میان شیعیان، مورد توجه اهل سنت بوده و می باشد.

این نوشتار، تلاشی است برای بازشناسی شخصیت امام صادق علیه السلام براساس منابع اهل سنت. البته پیش از این، برای معرفی امام صادق علیه السلام کتاب های متعددی توسط نویسندگان معاصر مسلمان نگاشته شده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. الامام الصادق علیه السلام، استاد عبدالحمید جندی.^۱
 ۲. الامام الصادق علیه السلام، محمد حسین مظفر.
 ۳. الامام الصادق علیه السلام حیات و آرائه و فقه، استاد محمد ابوزهره.^۲
 ۴. الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه، استاد حیدر (عج).^۳
 ۵. الامام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، گروهی از نویسندگان مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.^۴
 ۶. موسوعه الامام الصادق علیه السلام، آیت الله سید محمد کاظم قزوینی.^۵
- اما هیچ یک از این کتاب ها با رویکردی که مدنظر این نوشتار است، نوشته نشده است. با این حال، در سال های اخیر کتاب دیگری تحت عنوان «امام

۱. جایگاه نسبی - خانوادگی

امام صادق علیه السلام بنا بر قولی در سال ۸۳ و بنا بر مشهور منابع اهل سنت، در سال ۸۰ هجری که به سال «سبیل الجحاف» مشهور است، متولد شد.^۸ او ۶۸ سال عمر کرد و سرانجام در شوال سال ۱۴۸ هجری در شهر مدینه چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در قبرستان بقیع و در کنار پدرش محمد بن علی بن حسین علیهما السلام و جدش حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام به خاک سپردند.^۹

امام صادق علیه السلام از جهت پدری، هاشمی نسب و از جهت مادری، تیمی تبار بود و یازده فرزند داشت.

نسب پدری؛ امام صادق علیه السلام از نسل ریحانه نبی، سبط و محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله - حسین بن علی بن ابی طالب - می باشد.^{۱۰} پدر او، محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام، ملقب به «باقر» (م ۱۱۴ ق.) و مکی به «ابوجعفر» است که از نظر محدثین سنی، تابعی جلیل القدر و بلند مرتبه ای می باشد و از لحاظ علم، عمل، سیادت و شرافت، «یکی از اعلام امت اسلامی»، «مدنی»، «ثقه» و «کثیر الحدیث» است.^{۱۱}

به باور علمای عامه، ابوجعفر، سرور بنی هاشم در زمان خویش بود. وی کسی است که علم، فقه، شرف، دیانت، رهبری، سیادت، صلاحیت و همچنین لیاقت، «خلافت» را داشت و شیعیان معتقد به عصمت اویند. «سنائی» و دیگران، او را از فقهای تابعی مدینه

صادق علیه السلام از دیدگاه اهل سنت، «به قلم مهدی لطفی، نگاشته شده است. ولی این کتاب نیز در نیل به مقصود، آنچنان که شایسته است، کامیاب نبوده است؛ چون در واقع، یک بررسی تطبیقی میان دیدگاه اهل سنت و شیعه انجام داده و بیشتر جنبه کلامی یافته است تا جنبه گزارشی. به همین دلیل و برای احتراز از ابتلای به این نقصان، در ساماندهی نگاشته حاضر تلاش شده است در انتقال دیدگاه اهل سنت رعایت امانت صورت گیرد و از توضیح و تطبیق سازی اجتناب شود، تا مخاطب به خوبی دریابد که امام صادق علیه السلام از نظر اهل سنت چگونه شخصیتی است و دارای چه جایگاهی می باشد.

قلمرو این تحقیق، کتاب‌هایی است که از سده های نخست هجری تا دوران معاصر نگارش یافته است، اما به نگاشته های معاصر نمی پردازد، به جز یک مورد که نوشته عمر رضا کحاله است. محدوده مکانی این تحقیق نیز پهنای گسترده سرزمین های اسلامی است. بنابراین، آنچه در ادامه این نوشتار می آید، انعکاس نظرات و دیدگاه های بزرگان اهل سنت درباره امام صادق علیه السلام می باشد.

اهمیت این پژوهش در این است که امام صادق علیه السلام به عنوان یکی از مصادیق اهل بیت: و مشترکات مسلمانان می تواند مورد تأکید نخبگان و عالمان دینی جامعه اسلامی قرار گرفته و برای یکپارچگی و همدلی مسلمانان مثر ثمر قرار گیرد. ان شاء الله.



علی - دیگر پسر امام صادق علیه السلام - که در سال ۲۱۰ ق. از دنیا رفت، از بزرگان و اشراف عصر خویش بود و جزو محدثین است. ترمذی، حدیثی از او در دوستی اهل بیت نقل می کند که وی از نصر جهضمی روایت کرده است.^{۲۲}

محمد بن جعفر، ملقب به «دیاج» و مکنی به «ابوجعفر» یکی از علمای طالبین و چهره های سرشناس و زاهد بود.^{۲۳} او محبوب و مورد توجه همه مردم بود.^{۲۴} وی پهلوانی شجاع و عاقل بود و یک روز در میان، ایام هفته را روزه می گرفت. هنگامی که در سال ۲۰۳ ق. در جرجان از دنیا رفت، مأمون - خلیفه عباسی - شخصاً بر جنازه او نماز خواند و بدنش را در قبر گذاشت.^{۲۵}

موسی بن جعفر علیه السلام، هفتمین امام شیعیان اثنی عشری است. وی یکی از عابدترین افراد، بزرگترین علما و بخشنده ترین انسان های عصر خویش بود و در سال ۱۸۳ ق. در زندان هارون دیده از جهان فروبست [و شهید شد].^{۲۶} او انسانی صالح و حلیم بود.^{۲۷}

۲. جایگاه علمی - مذهبی

امام صادق علیه السلام به اعتراف علمای اهل سنت، در جامعه اسلامی از جایگاه علمی برجسته و ممتازی برخوردار است.^{۲۸} او از اجلة تابعین^{۲۹} و طبقه پنجم تابعین مدینه می باشد.^{۳۰} وی از علمای اهل مدینه^{۳۱} و «فقهای اهل بیت» می باشد و در مرتبه ای است که امام اعظم اهل سنت - ابوحنیفه - می گوید: «فقیه تر از جعفر بن محمد

شمرده اند.^{۱۲} وی از افاضل اهل بیت، فُراء آنها و^{۱۳} یکی از ائمه دوازده گانه شیعیان امامیه است.^{۱۴} او بدین دلیل ملقب به «باقر» شد که علم را شکافت. برخی گفته اند: وجه تسمیه او این است که جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت به وی فرمود: «تو زنده می مانی تا فرزندی از فرزندان حسین علیه السلام را که همنام من است، ملاقات کنی. او علم را می شکافد. وقتی که ملاقاتش نمودی، سلام مرا به او برسان».^{۱۵}

نسب مادری؛ امام صادق علیه السلام از نظر نسب مادری، از نسل محمد بن ابی بکر بن ابی قحافه است. مادر او «ام فروه» بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر می باشد^{۱۶} که در خانواده ای عالم پرور و پرهیزگار تربیت یافت. مادر «ام فروه»، اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر بود.^{۱۷} ابومحمد عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر - برادر ام فروه - یکی از فقها، اعلام و فضلالی مدینه در عصر خویش بود که به پرهیزگاری شهرت داشت.^{۱۸} قاسم بن محمد - پدر ام فروه - نیز از فقها و فضلالی حجاز بود.^{۱۹}

فرزندان؛ امام صادق علیه السلام در مجموع، هفت پسر (اسحاق، اسماعیل، عباس، عبدالله، علی، محمد و موسی) و چهار دختر (اسماء، ام فروه، فاطمه و فاطمه صغری) داشت.^{۲۰}

بزرگترین فرزند امام صادق علیه السلام «اسماعیل» بود که در سال ۱۳۸ و بنا بر قولی در سال ۱۴۳ ق. از دنیا رفت و خلفای فاطمی مصر، نسب خویش را به او می رسانند.^{۲۱}

است. ^{۴۰} اما «ترمذی» از او روایت نقل می‌کند. ^{۴۱}
 عمای اهل سنت می‌پذیرند که به باور شیعیان
 امامیه، امام صادق علیه السلام یکی از ائمه دوازده گانه و
 «ششمین امام» آنان است. ^{۴۲}

مشایخ حدیثی؛ محدثین عامه معتقدند که امام
 صادق علیه السلام از برخی از اعلام محدثین نقل حدیث نموده
 است. که عبارت‌اند از: زید بن علی بن حسین علیه السلام
 (عموی خویش)، ^{۴۳} عبیدالله بن ابی رافع، ^{۴۴} عروه
 بن زبیر، ^{۴۵} عطاء بن ابی رباح، ^{۴۶} قاسم بن محمد
 (جد مادری خویش)، ^{۴۷} ابوجعفر محمد بن علی بن
 حسین علیه السلام (پدر خویش)، ^{۴۸} محمد بن مسلم بن شهاب
 زهری، ^{۴۹} محمد بن منکدر، ^{۵۰} مسلم بن ابی مریم ^{۵۱}
 و ذافع عمری ^{۵۲}.

راویان حدیث؛ کسانی که از امام صادق علیه السلام روایت
 نقل کرده و در کتاب‌های حدیثی اهل سنت نام و
 حدیث آنان ذکر شده است، عبارت‌اند از:

۱. ابایریم طلاب بن حوشب شیبانی؛ ^{۵۳} ۲. ابان بن
 ارقم عنزی کوفی؛ ^{۵۴} ۳. ابن جریج؛ ^{۵۵} ۴. ابوالبختری
 اسدی مدنی؛ ^{۵۶} ۵. ابوسطام شعبه بن حجاج عتکی؛ ^{۵۷}
۶. ابوالحجاج خارجه بن مصعب بن خارجه ضبعی
 بالوچی؛ ^{۵۸} ۷. ابوجعفر محمد بن جعفر صادق (فرزند
 امام صادق علیه السلام)؛ ^{۵۹} ۸. ابوسهل نصر بن ابی‌عبدالملک
 مزنی بلخی، معروف به صیقل؛ ^{۶۰} ۹. ابوطیبه عیسی
 بن سلیمان دارمی؛ ^{۶۱} ۱۰. ابوعاصم شیبانی ضحاک
 بن سخلد؛ ^{۶۲} ۱۱. بجیلة معاویه بن عمار بن ابی‌معاویه

ندیدم. ^{۳۲} صالح بن ابی اسود نیز می‌گوید: «شنیدم که
 جعفر بن محمد می‌گوید: از من پرسید پیش از آنکه
 مرا از دست دهید؛ زیرا پس از من کسی نیست که نظیر
 حدیث مرا برای شما باز گو کند. ^{۳۳} امام صادق علیه السلام «انس
 بن مالک»، «سهل بن سعد» و برخی دیگر از صحابه و
 جد خویش، «زین العابدین» را روایت کرده است. ^{۳۴}

«ابوحاتم» در مورد امام صادق علیه السلام گفته است:
 «ثقه‌ای است که در ثقه بودنش تردید نیست و
 «مسلم» به او احتجاج کرده است. ^{۳۵} «یحیی
 بن معین»، «شافعی» و برخی دیگر از بزرگان اهل
 سنت نیز او را توثیق کرده‌اند، اما علی بن مدینی از
 «یحیی بن سعید» نقل می‌کند که «مجالد» در نزد
 من محبوب‌تر از «جعفر بن محمد» است. ^{۳۶} «ذهبی»
 در تقریض این گفته‌ی یحیی بن سعید می‌نویسد:
 «این سخن از لغزش‌ها و خطاهای یحیی قطان است،
 بلکه ائمه حدیث و رجال بر این مطلب اجماع دارند که
 «جعفر بن محمد» اوثق از مجالد است و هیچ کس
 به سخن یحیی توجه نکرده است. ^{۳۷} «هیچ کس با
 قطان در این مسئله همفکر نیست. پس مسلم است که
 «جعفر» صدوق است و «مسلم» نیز بدو احتجاج کرده
 است. ^{۳۸} عباس دوری از «ابن معین» نقل می‌کند که
 گفت: «جعفر بن محمد، ثقه و مورد اطمینان است. ^{۳۹}
 در «المغنی» نیز آمده است: جعفر بن محمد بن علی،
 «ثقه» است و ابن معین و ابن عدی او را توثیق
 کرده‌اند. بخاری در «الصحيح» از او حدیثی نقل نکرده



وهیب؛^{۹۶} ۴۵. یحیی بن سعید قطان تمیمی بصری؛^{۹۷} ۴۶. یحیی بن سعید انصاری؛^{۹۸} ۴۷. یزید بن هاد؛^{۹۹} ۴۸. یعقوب بن ولید ازدی مدنی؛^{۱۰۰} ۴۹. ابوحنیفه (پیشوای فقه حنفی)؛ ۵۰. ابو عبدالله مالک بن انس (پیشوای فقه مالکی). اینها از جمله کسانی‌اند که از امام صادق علیه السلام نقل حدیث می‌کنند.^{۱۰۱}

شاگردان؛ برخی از شاگردان امام صادق علیه السلام عبارت‌اند:

۱. حمزه بن حبيب بن عماره بن اسماعیل کوفی - یکی از قراء سبعة، که قرائت خویش را بر امام صادق علیه السلام عرضه کرده است، می‌توان در زمره شاگردان آن حضرت برشمرد.^{۱۰۲} او در کنار حمزه و کسائی، مرجع «علم القرائات» در شهر کوفه بود.^{۱۰۳} ۲. سفیان ثوری، که جزو یاران حضرت بود و برخی از سخنان و حالات وی را نقل می‌کند.^{۱۰۴} ۳. ابو حمزه ثمالی، که بار و همنشین او بود و از او سخن نقل می‌کند.^{۱۰۵} ۴. اسماعیل بن فضل بن یعقوب بن عبدالله بن حارث بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب.^{۱۰۶} ۵. ابوموسی جابر بن حیان صوفی طرسوسی، که کتابی در حجم هزار ورق تألیف کرد. این کتاب دربرگیرندهٔ رسائل امام صادق علیه السلام می‌باشد که پانصد رساله است.^{۱۰۷} ۶ و ۷. ابوحنیفه و مالک بن انس نیز برای مدتی شاگرد امام صادق علیه السلام بودند و از او علم آموختند.^{۱۰۸}

آثار: علاوه بر مجموعه رسائلی که جابر بن حیان گردآوری نموده، علمای اهل سنت کتاب‌های دیگری

دهنی بجلی؛^{۶۳} ۱۲. جریر بن عثمان؛^{۶۴} ۱۳. حاتم بن اسماعیل کوفی؛^{۶۵} ۱۴. حارث بن عمران جعفری مدنی؛^{۶۶} ۱۵. حسن بن عیاش بن سالم؛^{۶۷} ۱۶. حسین بن زید بن علی مدنی (پسر عموی امام صادق علیه السلام)؛^{۶۸} ۱۷. حفص بن غیاث بن طلق بن معاویه نخعی؛^{۶۹} ۱۸. حماد بن عیسی بن عبیده جهنی واسطی؛^{۷۰} ۱۹. خیمه بن سلیمان؛^{۷۱} ۲۰. راشد حمانی؛^{۷۲} ۲۱. ربیع بن یونس بن محمد بن کیسان عباسی؛^{۷۳} ۲۲. زهیر بن محمد تمیمی عنبری خراسانی مروزی خرقی؛^{۷۴} ۲۳. سعید بن مسلمة بن هشام بن عبدالملک بن مروان؛^{۷۵} ۲۴. سفیان بن سعید بن مسروق ثوری؛^{۷۶} ۲۵. سفیان بن عیینة هلالی؛^{۷۷} ۲۶. سلام بن مسلم تمیمی سعدی طویل؛^{۷۸} ۲۷. سلیمان بن بلال تیمی مدنی؛^{۷۹} ۲۸. عبدالله بن رجاء بصری؛^{۸۰} ۲۹. عبدالوهاب بن عبدالمجید بن صلت ثقفی بصری؛^{۸۱} ۳۰. عبدالعزیز بن محمد دروردی؛^{۸۲} ۳۱. علی بن جعفر صادق (فرزند امام صادق علیه السلام)؛^{۸۳} ۳۲. علی بن حمزه بن عبدالله اسدی کوفی کسائی؛^{۸۴} ۳۳. عمر بن هارون بلخی؛^{۸۵} ۳۴. عنبسة بن نجاد عابد؛^{۸۶} ۳۵. غورک بن جصرم سعدی جصرمی؛^{۸۷} ۳۶. فضیل بن عیاض بن مسعود تمیمی بربوعی؛^{۸۸} ۳۷. کثیر بن هشام کلابی رقی؛^{۸۹} ۳۸. محمد بن اسحاق بن یسار (صاحب المغازی)؛^{۹۰} ۳۹. محمد بن عمران؛^{۹۱} ۴۰. معاذ بن مسلم هراء کوفی؛^{۹۲} ۴۱. مکی بن ابراهیم حنظلی بروجمی بلخی؛^{۹۳} ۴۲. موسی بن جعفر صادق (فرزند امام صادق علیه السلام)؛^{۹۴} ۴۳. وفاة ابوعاصم نبیل؛^{۹۵} ۴۴.

«الجامعة»؛ کتابی دیگری است در جفر، منسوب به

امام جعفر صادق علیه السلام.^{۱۱۰}

«اختلاج الأعضاء»؛ بنابر نظر ابن کثیر گرچه

منسوب به امام صادق علیه السلام است، نسبت کذبى است که

به او داده شده است.^{۱۱۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. طاهره، ۱۹۹۷ق.
۲. بیخانه احمدعلی.
۳. بیروت، دارالکتب العربی، ج ۲، ۱۳۹۰ق.
۴. قم، مجمع جهانی اهل بیت، ج ۱، ۱۴۲۲ق.
۵. قم، بصیرتی، ج ۱، ۱۴۱۴ق.
۶. قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ج ۱، ۱۳۸۵ش.
۷. وفیات الأعیان، ابن خلکان، ج ۱، ص ۲۲۷، رقم ۱۳۱، تحقیق: احسان عباس بیروت، دارالافتاء، ۱۹۶۸م.
۸. ابن حبان، مشاهیر علماء الأمصار؛ تحقیق: م. فلاشهر؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۱۲۷، رقم ۹۹۷؛ وفیات الأعیان؛ ج ۳، ص ۲۲۷، عبدالقادر بن ابی الوفاء؛ طبقات الحنفیه؛ کراچی: میرمحمد کتابخانه، ج ۱، ص ۵۴۵/ جمال تئدین ابی المحاسن؛ النجوم الزاهره؛ مصر: لمؤسسه المصریه العامه للتالیف و الترجمه و الطباعه و النشر، ج ۲، ص ۸/ سخاوی؛ التحفه اللطیفه فی تاریخ المدینة الشریفه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۹۹۳م، ج ۱، ص ۲۴۱/ سیوطی؛ طبقات الحفاظ؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۷۹/ ذهبی؛ شمس الدین؛ تاریخ الاسلام؛ تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: دارالکتب العربی، ج ۲، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۸۸، عکری دمشق؛ شذرات الذهب؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۲۱۶.
۹. ابن اثیر؛ تکامل فی التاریخ؛ بیروت: دار صادر- دار بیروت، ۱۳۸۵ق، ج ۵، ص ۵۸۹/ ذهبی؛ شمس الدین؛ المعرف فی خبر من غیر؛ تطبیق: صلاح الدین السجده؛ کویت: مطبعة حکومته الکویت، ج ۲، ۱۹۲۸م، ج ۱، ص ۲۰۸/ ذهبی؛ شمس الدین (۷۲۸مق)؛ سیر اعلام النبوة؛ تحقیق: نجیب الاناوی و محمد نعیم العرقسوسی؛ بیروت: مؤسسة الرساله، ج ۹، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۲۶۹/ ابن کثیر دمشقی؛ البدایة و النهایة؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۵/ قلقشنودی؛ مآثر الافقه؛ تحقیق: عبدالستار احمد فراج؛ کویت: مطبعة حکومته الکویت، ج ۲، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۱۷۹/ النجوم الزاهره؛ ج ۲، ص ۸/

نیز به امام صادق علیه السلام نسبت داده‌اند که عبارت‌اند از:

«جفر»؛ کتابی است که دانش تمامی امور از طریق

احادیث یا ستاره شناسی در آن مندرج است. هارون

بن سعید عجللی که یکی از سران فرقه زبیدی است،

کتابی داشت که آن را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت

می‌کرد و در آن، معرفت وقایعی که به طور کلی برای

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و به ویژه برخی از شخصیت‌های آن

خاندان روی خواهد داد، مندرج بود. این کتاب نزد امام

صادق علیه السلام بود و آن را روی پوست گوساله‌ای نوشته

بودند. هارون عجللی مطالب آن را از امام صادق علیه السلام

روایت می‌کرد و در نسخه‌های می‌نوشت. آن کتاب را به

نام پوستی که بر آن نوشته شده بود، «جفر» می‌خواندند

و رفته، رفته این نام بر آن کتاب اطلاق شد. بنابر باور

ابن خلدون: در آن کتاب، تفسیر قرآن و معانی غریبی

که از باطن آن مستفاد می‌شود نیز مندرج بود. برخی

از این مطالب از امام صادق علیه السلام روایت شده است ولی

روایت آن کتاب پیوسته و متصل نیست و عین کتاب

نیز دیده نشده است. اگر استناد کتاب به امام صادق علیه السلام

درست باشد، بی‌شک بهترین مستند خواهد بود، خواه

به خود او یا به مردان بزرگ خویشاوندش نسبت داده

شود؛ چراکه آنان از خداوندان کرامات‌اند و به صحت

پیوسته است که امام صادق علیه السلام برخی از خویشاوندان

خویش را پیشاپیش از وقایعی که در آینده برای آنان

روی خواهد داد، بر حذر می‌داشت و پیشگویی‌های وی

به صحت می‌پیوست.^{۱۰۹}



- التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٣ / قسطنطيني رومي: كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٣هـ.ق.، ج ١، ص ٦٩٩ / تاريخ الإسلام؛ ج ٩، ص ٥١ / شذرات الذهب؛ ج ٢، ص ٢١٦.
١٠. سير أعلام النبلاء، ج ٦، ص ٢٥٥.
١١. البداية و النهاية، ابن كثير، ج ٩، ص ٣٠٩.
١٢. سير أعلام النبلاء، ج ١٣، ص ١٢٠؛ التحفة اللطيفة؛ ج ٢، ص ٥٢٣؛ طبقات الحفاظ، ج ١، ص ٥٦، رقم ١٠٧؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٧، ص ٤٦٢ - ٤٦٤، رقم ٥٢٩.
١٣. مشاهير علماء الأمصار، ج ١، ص ٦٢.
١٤. وفيات الأعيان؛ ج ٤، ص ١٧٤، رقم ٥٦٠.
١٥. اخبارالدول، ابن العباس قرماني، ص ١١١، بيروت، عالم الكتب، بي تا.
١٦. المعارف ابومحمد عبدالله بن مسلم؛ المعارف؛ تحقيق: ثروت عكاشة، ص ١٧٥؛ القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ج ٢، ١٩٩٢م. ابن جوزي، المنتظم؛ تحقيق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا؛ ج ٨، ص ١١٠، بيروت، دارالكتب العلمية، ج ١، ١٤١٢هـ.ق.، سير اعلام النبلاء؛ ج ٢، ص ٤٩٦.
١٧. النجوم الزاهرة، ج ٢، ص ٨.
١٨. سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٥؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٨، ص ١٦٣؛ التحفة اللطيفة؛ ج ٢، ص ١٤٦.
١٩. المعارف؛ ص ١٧٥.
٢٠. تاريخ الإسلام؛ ج ١٤، ص ٢٦٣، رقم ٢٧٨؛ شذرات الذهب؛ ج ٣، ص ٤٩، رقم ٢٧٨.
٢١. ملل و نحل، شهرستاني؛ تصحيح: احمد فهمي؛ بيروت: دارالكتب، ج ١، ١٤١٠هـ.ق.، ج ١، ص ١٧٠؛ سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٦٩ / زركلي؛ الأعلام؛ بيروت: دارالعلم للملإين، ج ٨، ١٩٨٩م.، ج ١، ص ٣١١.
٢٢. تاريخ الإسلام؛ ج ١٤، ص ٢٦٣، رقم ٢٧٨؛ شذرات الذهب؛ ج ٣، ص ٤٩.
٢٣. ابن خلدون، عبدالرحمن؛ ديوان المبتدأ و الخبر؛ تحقيق: خليل شحادة؛ بيروت: دارالفكر، ج ٢، ١٤٠٨ق.، ج ٣، ص ٣٠٥ / زركلي؛ الأعلام؛ ج ٦، ص ٦٩.
٢٤. مسكويه؛ تجارب الأمم؛ تحقيق: ابو القاسم امامي؛ تهران: سروش، ج ٢، ١٣٧٩هـ.ش.، ج ٤، ص ١٢٠.
٢٥. ابن اثير؛ الكامل؛ ج ٦، ص ٣٥٦؛ التحفة اللطيفة؛ ج ٢، ص ٤٦٦؛ تاريخ الإسلام؛ ج ١٤، ص ٣٢٧، رقم؛ شذرات الذهب؛ ج ٣، ص ١٥.
٢٦. الأعلام؛ ج ٧، ص ٣٢١.
٢٧. شذرات الذهب؛ ج ١، ص ٣٠٤.
٢٨. سير اعلام النبلاء؛ ج ١٣، ص ١٢٠ / الأعلام؛ ج ٢، ص ١٢٦.
٢٩. الاعلام؛ ج ٢، ص ١٢٦.
٣٠. النجوم الزاهرة؛ ج ٢، ص ٨.
٣١. مشاهير علماء الأمصار؛ ج ١، ص ١٢٧.
٣٢. النجوم الزاهرة؛ ج ٢، ص ٩؛ التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٤٢؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٩، ص ٨٩.
٣٣. سلوئي قبل أن تفقدوني، فإنه لا يحدنكم بعدى بمنزل حديثي؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٩، ص ٩٠.
٣٤. سير اعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥؛ التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٤١.
٣٥. التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٤٢.
٣٦. تاريخ الاسلام؛ ج ٩، ص ٨٩.
٣٧. سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٦.
٣٨. تاريخ الاسلام؛ ج ٩، ص ٨٩.
٣٩. همان.
٤٠. سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٦٩؛ شذرات الذهب؛ ج ٢، ص ٢١٦.
٤١. مغرزي؛ امتناع الأنساب؛ تحقيق: محمد عبدالحميد التميمي؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ج ١، ١٤٢٠هـ.ق.، ج ٧، ص ١١٧.
٤٢. سمعاني؛ الأنساب؛ تحقيق: عبدالرحمن بن يحيى المعلمي اليماني؛ حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية، ج ١، ١٣٨٢هـ.ق.، ج ١، ص ١١٥، رقم ٥٢؛ الاعلام؛ ج ٢، ص ١٢٦ / عمر رضا كحالة؛ معجم قبائل العرب؛ بيروت: مؤسسة الرسالة، ج ٧، ١٤١٤هـ.ق.، ج ٥، ص ٣١٣.
٤٣. كمال الدين عمر؛ بغية الطلب في تاريخ حلب؛ تحقيق: سهيل ذكار؛ بيروت: دارالفكر، ج ١، ١٩٨٨م.، ج ٩، ص ٢٠٢٧.
٤٤. سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٦، ص ٤٢١، رقم ٣٢٠.
٤٥. سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٩، ص ٨٨؛ النجوم الزاهرة؛ ج ٢، ص ٩؛ التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٤٢.
٤٦. همان.
٤٧. الأنساب؛ ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣؛ النجوم الزاهرة؛ ج ٢، ص ٨؛ التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة؛ ج ١، ص ٢٤١.
٤٨. الأنساب؛ ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣؛ البداية و النهاية؛ ج ٩، ص ٣٠٩؛ سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥.
٤٩. الأنساب؛ ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣؛ سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥؛ النجوم الزاهرة؛ ج ٢، ص ٨؛ التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٤١؛ طبقات الحفاظ؛ ج ١، ص ٧.
٥٠. الأنساب؛ ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣؛ سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥؛ تاريخ الإسلام؛ ج ٩، ص ٨٨؛ طبقات الحفاظ؛ ج ١، ص ٧.
٥١. سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥.
٥٢. الأنساب؛ ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣؛ سير أعلام النبلاء؛ ج ٦، ص ٢٥٥؛ النجوم الزاهرة؛ ج ٢، ص ٨؛ التحفة اللطيفة؛ ج ١، ص ٢٤١؛

- طبقات الحفاظ: ج ١، ص ٧.
٥٣. تاريخ الاسلام: ج ١٤، ص ٢٠٥، رقم ٢٠٦.
٥٤. التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٥٩.
٥٥. طبقات الحنفية: ج ١، ص ٥٤٥؛ النجوم الزاهرة: ج ٢، ص ٩.
٥٦. وفيات الأعيان: ج ٦، ص ٣٧، رقم ٧٧٣.
٥٧. الأنساب: ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣.
٥٨. همان، ج ٢، ص ٥٩، رقم ٣٥٨.
٥٩. ابن حجر عسقلاني: الإصابة في تمييز الصحابة: تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود وعلی محمد معوض: بيروت: دارالكتب العلمية، ج ١، ١٤١٥ق، ج ٢، ص ٢٤٧، شذرات الذهب: ج ١، ص ٧.
٦٠. الأنساب: ج ٨، ص ٣٦٣، رقم ٢٥٢٠.
٦١. همان، ج ٩، ص ١١٩، رقم ٢٦٢٥.
٦٢. سير أعلام النبلاء: ج ٩، ص ٢٨٠، رقم ١٧٨.
٦٣. الأنساب: ج ٥، ص ٤٢٧.
٦٤. التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٢٢٧، رقم ٧٥٣.
٦٥. سير أعلام النبلاء: ج ٨، ص ٥١٨، رقم ١٣٨.
٦٦. التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٢٥٨، رقم ٨٥٥، تاريخ الاسلام: ج ١٤، ص ٩٢، رقم ٧٤.
٦٧. تاريخ الاسلام: ج ١١، ص ٨٢، رقم ٥٢.
٦٨. همان: ج ١٢، ص ١٢٢، رقم ٦٧.
٦٩. طبقات الحفاظ: ج ١، ص ١٣٠، رقم ٢٦٧.
٧٠. تاريخ الاسلام: ج ١٤، ص ١٢٩، رقم ١١٨.
٧١. الإصابة: ج ٢، ص ٢٢٧، رقم ٢٢٧٥.
٧٢. همان، ج ٧، ص ٢٠١، رقم ١٠١٧٥.
٧٣. بغية الطلب في تاريخ حلب: ج ٨، ص ٣٦٠، رقم ٣٦٠، تاريخ الاسلام: ج ١٠، ص ١٨٦، رقم ١١٢.
٧٤. معجم البلدان، ياقوت حموي: بيروت: دارصادر، ج ٢، ١٩٩٥م، ص ٢، ص ٣٦٠.
٧٥. تاريخ الاسلام: ج ١٤، ص ١٧٢، رقم ١٦٨.
٧٦. سير اعلام النبلاء: ج ٧، ص ٢٥٤، طبقات الحفاظ: ج ١، ص ٩٥، رقم ١٨٨.
٧٧. تاريخ الاسلام: ج ١، ص ١٢٨.
٧٨. البداية والنهاية: ج ٥، ص ٢٥٤.
٧٩. طبقات الحفاظ: ج ١، ص ٧٢، رقم ١٤٠، ص ١٠٦، رقم ٢٠٩.
٨٠. سير اعلام النبلاء: ج ١٠، ص ٣٧٩، رقم ١٠٠.
٨١. طبقات الحفاظ: ج ١، ص ١٣٩، رقم ٢٨٨.
٨٢. سير اعلام النبلاء: ج ٨، ص ٣٦٦، رقم ١٠٧.
٨٣. شذرات الذهب: ج ٣، ص ٤٩.
٨٤. معرفة قراء الكبار: تحقيق: بشار عود معروف و شعب الانا ووط
- و صالح مهدي عباس: بيروت: مؤسسة الرسالة، ج ١، ١٤٠٤ق، ص ١، ص ٢٠، رقم ٢٥، تاريخ الاسلام: ج ١٢، ص ٢٩٩، رقم ٢٦١.
٨٥. العبر: ج ١، ص ٣١٦، شذرات الذهب: ج ٢، ص ٤٤٣.
٨٦. تاريخ الاسلام: ج ١١، ص ٢٨٦.
٨٧. الأنساب: ج ٤، ص ١٧١، رقم ١١٦١.
٨٨. سير أعلام النبلاء: ج ٨، ص ٤٢٢، طبقات الحفاظ: ج ١، ص ١١٠، رقم ٢٢٠.
٨٩. تاريخ الاسلام: ج ١٤، ص ٣٠٢، رقم ٣٢٢.
٩٠. طبقات الحفاظ: ج ١، ص ٨٢، رقم ١٦٠.
٩١. فاكهي، ابو عبدالله: اخبار مكة في قديم الدهر و حديثه: تحقيق: عبدالملك عبدالله دهيش: بيروت: دارخضر، ج ٢، ١٤١٤ق، ص ٥، ص ١١٦، الإصابة: ج ٢، ص ٢٤٤ و ٢٤٩ و ٢٧٨.
٩٢. فروز آبادي: البلغة في تراجم ائمة النحو و اللغة: تحقيق: محمد المصري: الكويت: جمعيه احياء التراث الاسلامي، ج ١، ١٤٠٧ق، ص ١، ص ١٢٣، رقم ٣٦٩.
٩٣. طبقات الحفاظ: ج ١، ص ١٦٤، رقم ٣٥٤.
٩٤. شذرات الذهب: ج ٣، ص ١٤.
٩٥. تاريخ الاسلام: ج ٩، ص ٨٨، التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٢٢٢.
٩٦. همان.
٩٧. همان، طبقات الحفاظ: ج ١، ص ٧٩ و ١٣١، رقم ٢٤٨.
٩٨. الأنساب: ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣، تاريخ الاسلام: ج ٩، ص ٨٨، التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٢٤٢.
٩٩. تاريخ الاسلام: ج ٩، ص ٨٨، التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٢٢٢.
١٠٠. تاريخ الاسلام: ج ١٢، ص ٤٧٢، رقم ٤٢٦.
١٠١. الأنساب: ج ٨، ص ٢٥٠، رقم ٢٤٣٣، طبقات الحنفية: ج ١، ص ٥٤٥، النجوم الزاهرة: ج ٢، ص ٩، تاريخ الاسلام: ج ٩، ص ٨٨، التحفة اللطيفة: ج ١، ص ٢٤٢، طبقات الحفاظ: ج ١، ص ٧٩ و ٩٦، رقم ١٨٩.
١٠٢. معرفة القراء الكبار: ج ١، ص ١١٢، رقم ٤٣، امتاع الأسماع: ج ٤، ص ٣١١.
١٠٣. متاع الأسماع: ج ٤، ص ٣٠٩.
١٠٤. المنتظم: ج ٨، ص ١١١.
١٠٥. معجم البلدان: ج ٣، ص ٢٩٠.
١٠٦. التحفة اللطيفة: ج ١، ص ١٨٣، رقم ٤٧٢.
١٠٧. وفيات الأعيان: ج ١، ص ٣٢٧، شذرات الذهب: ج ٢، ص ٢١٦، الأعلام: ج ٢، ص ١٢٦.
١٠٨. الأعلام: ج ٢، ص ١٢٦.
١٠٩. ديوان المتنبه و الخبر: ج ١، ص ٤١٥ و ٤١٦.
١١٠. قسطنطيني رومي: كشف الظنون: ج ١، ص ٥٧٧.
١١١. البداية والنهاية: ج ١٠، ص ١٠٥.

